

## مصداق: آزادی مطبوعات

(۱)

بر گرفته از صفحه های ۲۵، ۲۶ و ۲۷ کتاب « مصدق و حاکمیت ملت » تألیف محمد بسته نگار:

### ۶. آزادی مطبوعات

یکی از ارکان دموکراسی «آزادی مطبوعات» است که دکتر مصدق همیشه از آن حمایت می کرد و فقدان آن را ضربه بزرگی به مشروطیت و رشد و بالندگی ملت می دانست. بدین جهت در اولین نطق رادیویی خود پس از قبولی بیست نخست وزیری به حمایت از آزادی مطبوعات پرداخت. ولی به لحاظ اخلاقی از صاحبان قلم و روزنامه نگاران درخواست می کرد که از این آزادی سوء استفاده نکرده و حرمت قلم را نگاه داشته و به آزادی دیگران و امنیت مملکت لطمه ای نزنند. دکتر مصدق در این سخنرانی که در ۱۳۳۰/۲/۱۱ ایراد شده است چنین فرمود:

... تقاضای من... از بعضی از آقایان ارباب قلم و روزنامه نگاران این است که از آزادی، سوء استفاده نکنند و عفت قلم را همیشه رعایت نمایند زیرا هیچ وقت نمی خواهم ترتیبی پیش آید که آن ها نتوانند منویات خود را اظهار کنند ولی اظهار منویات و استفاده از آزادی باید تا حدی باشد که به آزادی دیگران و حقوق مشروع آن ها و به امنیت مملکت خللی وارد نکند...<sup>۲</sup>

۱. تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی، صص ۲۴۴-۲۴۵.

۲. نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق، ج ۲، دفتر سوم، انتشارات مصدق، ش ۸، صص ۱-۱۲؛ استاه نقت، انتشارات دولت مصدق، ۱۳۳۰ شمسی، ناشر انتشارات پویان، ص ۶۷.

### صفحه بعد:

مصداق و حاکمیت ملت

۲۶

دکتر مصدق به سخنرانی و نطق تنها اکتفا ننمود. و بلافاصله طی نامه ای به شهربانی کل کشور عملاً از آزادی مطبوعات حمایت کرد. این نامه که در همان تاریخ ۱۱ اردیبهشت منتشر شده است چنین است:

شهربانی کل کشور

در چراید ایران آنچه راجع به شخص اینجانب نگاشته می شود هر چه نوشته باشند و هر که نوشته باشد به هیچ وجه نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد، لکن در سایر موارد بر وفق قانون باید عمل شود. به مأموران مربوطه دستور لازم در این باب را صادر فرمایید که مزاحمتی برای اشخاص فراهم نشود.

نخست وزیر، دکتر مصدق<sup>۱</sup>

مخالفان دکتر مصدق به مصدق حمله می کردند که چرا چراید علیه آن ها مطلب می نویسند و دکتر مصدق جلوگیری نمی نماید از جمله «جمال امامی» در جلسه ۲۰۶ مجلس روز یکشنبه ۳ آذرماه ۱۳۳۰ می گوید:

ما وقتی به این مجلس می آسیم در زمان حکومت جناب آقای دکتر مصدق پیشوای آزادیخواهان تأمین جانی نداریم... به جهت این که رادیوی شما علناً به ما فحش می دهد... و روزنامه هایی که طرفدار شما هستند می نویسند: مهدورالدم هستند...<sup>۲</sup>

اما دکتر مصدق در همان جلسه مجلس جواب می دهد که روزنامه هایی نیز هستند که به دولت حمله می کنند، فحش می دهند، بد می نویسند، اما نباید جلوی آن ها گرفته شود. باید آزاد باشند هر چه می خواهند بنویسند:

اما راجع به این که ایشان فرمودند که روزنامه ها در مورد اقلیت بد می نویسند و این روزنامه ها نیز منسوب به دولت است بنده این را قویاً تکذیب می کنم؛ به جهت این که در این مملکت روزنامه هایی هستند که به مورد ایشان بد می نویسند و روزنامه هایی هستند که به مورد من بد می نویسند (حضور: صحیح است).<sup>۳</sup>

این روش برخورد با روزنامه های مخالف را دکتر مصدق تا پایان دوره ۲۸ ماهه زمامداری خود و کودتای ۲۸ مرداد ادامه داد و هیچ عاملی نتوانست وی را از این کار منصرف کند و به قول دکتر علی شریعتی «مردی که هفتاد سال برای آزادی نالیده بود، همچنان مدافع آزادی مانند، انواع و اقسام فحش ها، اهانت ها را به جان خرید ولی مانع آزادی افراد و بستن مطبوعات نشد». یکی از نویسندگانی

۱. احمد خلیل الله مقدم، تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران به رهبری دکتر محمد مصدق، انتشارات حزب ایران، سازمان انتشارات و تبلیغات، ص ۲۲۱.

۲. نطق ها و مکتوبات دکتر مصدق، ج ۲، دفتر اول، انتشارات مصدق، ش ۵، ص ۱۰۰.

۳. همان مأخذ، ص ۱۰۳.

نگاه کنید به صفحه بعد (آخرین قسمت)

که دربارهٔ مصدق کتابی تألیف کرده است در مورد مصدق و آزادی مطبوعات تحلیلی دارد که چنین است:

دکتر محمد مصدق از معبود کسانی بود که در دورهٔ زمامداری خود، انتقادهای و مخالفت‌ها را به راحتی تحمل می‌کرد و حتی در پاره‌ای موارد از آن‌ها به دلیل انتقاد صحیح و اصولی، تشکر می‌کرد. معروف است که مصدق با وجود چهرهٔ ضد امپریالیستی و ضد کمونیستی‌اش، پیش از هر کس دیگری طاقت تحمل نیرهای چپ را داشت. در زمان او روزنامه‌های متعددی در مخالفت با حکومت جبههٔ ملی ایران منتشر می‌شد که مصدق مانع کار هیچ‌یک از آن‌ها نمی‌شد.

نصرت‌الله معینیان یکی از دشمنان آزادی و نوکران استبداد، در ص ۳۷ قیام در راه سلطنت دربارهٔ «انتشار» می‌نویسد:

مصمم شدیم که روزنامهٔ آتش را عصرها منتشر کنیم، سپس تصمیم گرفتیم یک همکاری و هماهنگی‌ای میان مطبوعات به وجود آوریم. مجلهٔ آسید روزنامهٔ مهر ملت، روزنامهٔ انجمن، روزنامهٔ نگاران ملی، آتشبار شرق، شلاق، نبرد ملت، عقاب شرق و چند روزنامهٔ دیگری که به طور جداگانه با حکومت جبههٔ ملی مخالفت می‌کردند، از آن جمله بودند.

این روزنامه‌ها در آن زمان به روزنامه‌های نفی معروف بودند. در زمان حکومت دکتر مصدق، حزب توده نیز روزنامه‌های شه‌باز، به سوی آینده، نوید آزادی، جوانان دموکرات، کوثر صلح، چنگر، دژ، جرس، قوس و قزح، رنگین‌کمان، شجاعت، بانگ مردم، رنج و گنج، سرود فردا، دنیای امروز، مجلهٔ صلح و چند روزنامهٔ دیگر را منتشر می‌کرد و تا آن‌جا که می‌توان حدس زد حدود ۷۰ روزنامهٔ مخالف در زمان مصدق منتشر می‌شد که همگی به دکتر مصدق حمله می‌کردند اما پس از کودتای ۲۸ مرداد تقریباً همهٔ آن‌ها خاموش شدند.

تأمین آزادی بیان، برای دستجات چپ و راست از دیگر امتیازاتی بود که در طول ۲۷ سال گذشته فقط در حکومت مصدق مورد نظر بوده است. روی هم‌رفته در زمان مصدق ۳۷۳ روزنامهٔ مخالف و موافق منتشر می‌شد.

اما در سال ۱۳۴۴ که اختلافی شدید بر وسایل خبری مملکت حاکم شده بود، هنگامی که عده‌ای خواستند به مناسبت درگذشت همسر مرحوم مصدق، تسلیتی در روزنامه چاپ کنند، دست‌اندرکاران روزنامه فقط به این دلیل که اسم «مصدق» در آگهی بود از چاپ آن خودداری کردند.<sup>۱</sup>

۱. علی جان‌زاده، مصدق، انتشارات همگام، ۱۳۵۸، ص ۲۸۱ و نیز آگاهی نسل جوان تحلیلی از مبارزات ملی شدن نفت، نوشتهٔ احمد خلیل‌الله مقدم، انتشارات حزب ایران، صص ۱۱۱-۱۱۲.